

# درس هشتم

# دریاقلی

فارسی ششم دبستان

درس هشتم دریاقلی

علوی



# دریاقلی

چشم انتظارِ همت تو، دین و میهن است

دریا قلی! رکاب بزن، یا علی بگو

**معنی بیت:** ای دریا قلی! با دوچرخه ات رکاب بزن و یی اعلی گویان پیش برو، زیرا دین و میهن منتظر و چشم به راه فداکاری و ایثارگری تو است.

میدانِ جنگ تن به تن و تانک با تن است

فردا اگر درنگ کنی، کوچه های شهر

**معنی بیت:** اگر معطل کنی ممکن است دیر شود و فردا کوچه های شهر تبدیل به میدان جنگ تن به تن و جنگ تانک با سربازان شود.

تکلیف شهر خاطره های تو، روشن است

از راه اگر بمانی و روشن شود هوا

**معنی بیت:** اگر معطل کنی و در راه بمانی و هوا روشن شود دیگر معلوم نیست که بر سر شهر تو و شهر خاطره های تو (آبادان) چه خواهد آمد.

تاریخ در تلفظ نام تو آکن است

دریا قلی! به وسعتِ دریاست نام تو

**معنی بیت:** دریا قلی! نام تو به اندازه ی دریا ها وسیع و پهناور است و تاریخ نمی تواند نام تو را به درستی تلفظ کند. یعنی از فهم و درک و بیان جوانمردی و ایثارگری تو ناتوان و لال است.



۱- منظور از مصراع «چشم انتظار همت تو، دین و میهن است» چیست؟

**جواب:** دین و میهن منتظر اراده‌ی قوی توست. اگر سستی کنی، دین و میهن ضربه و صدمه خواهند دید.

۲- به نظر شما میان کار آرش با دریاقلی چه شباهتی هست؟

**جواب:** هر دو نفر جان خود برای بیرون راندن دشمن از میهن فدا کردند.

۳- چرا دریاقلی توانست چنان کار بزرگی انجام دهد؟

**جواب:** چون دریا قلی با دیدگاه وسیعی که داشت به جای فکر کردن به نجات خود و خانواده اش، نجات میهن و وطن که خانه و مادر همه‌ی ماست را انتخاب کرد.

۴- اگر به جای دریاقلی بودید، چگونه رزمندگان را از وجود دشمن آگاه می‌کردید؟

**جواب:** به نظر من دریا قلی بهترین تصمیم را گرفته است و من هم در آن شرایط همان کار را می‌کردم.



غافلگیرکننده: غیرمنتظره بودن و ناگهانی بودن کاری	هدف: مقصود، منظور
بهمن شیر: نام رودخانه‌ای است.	به هنگام: به موقع
محاصره: اطراف کسی یا جایی را احاطه کردن	محدود: ناچیز و کم، مختصر، اندک
انگار: گویا، به نظر	جوامع: جمع جامعه، کشور، مملکت
جوانمردی: سخاوت، بخشندگی	ارج: ارزش
رکاب بزن: سریع تر دوچرخه را به حرکت در بیاور.	دلور مرد: مرد شجاع و دلیر
دیار: خانه، سرزمین	کماندار ایرانی: آرش کمانگیر
همت: قصد، اراده و عزم قوی	دلیرانه: شجاعانه
الکن: کسی که زبانش به هنگام صحبت، گیر می‌کند، لال	چله‌ی کمان: نخ کمان که تیر در آن قرار می‌گیرد.
تکلیف: موقعیت، وضعیت	پاسداری: محافظت کردن
خمپاره: نوعی گلوله که با توپ قابل حمل، پرتاب می‌شود.	نام‌آوران بی‌شمار: پهلوانان مشهور بسیار زیاد



مدافعان: جمع مدافع، دفاع کنندگان	مانع سقوط: جلوی دشمن را گرفتن تا شهرها را تصرف نکند.
مزار: قبر، گور، آرامگاه	اوراق فروشی: مکانی که پاره‌های اتومبیل فروخته می‌شود.
بی شک: یقیناً، حتماً	حاشیه: کناره
ناگوار: تلخ، ناخوشایند	بعثی: نیروهای ارتش عراق در زمان صدام
	مقابله: مبارزه کردن
	ناکام: کسی که به آرزوی خود نرسیده باشد.
	تلفات: نابود شده‌ها، از دست دادن افراد



نشانه های نگارشی



نشانه های نگارشی، علامت هایی هستند که به درست خواندن و درک مطالب، کمک می کنند.

چند علامت نگارشی پر کاربرد:



نقطه (.):

۱) در پایان جمله های خبری و بعضی جملات امری از این نشانه، استفاده می شود.

شغل دریاقلی، اوراق فروشی بود.

مثال:



۲) در میان حروف اختصاری به کار می رود.

نظامی زاده ی ۵۳۵ هـ. ق در گنجه است.

مثال:



هجری قمری: هـ. ق



ویرگول یا درنگ‌نما (،):



نشانه‌ی درنگ در جمله است.

۱) میان عبارتها و جمله‌هایی که از نظر معنی به هم مربوط هستند.

**مثال:** اگر کوتاهی کنی، همه‌ی شهر و دیار نابود خواهد شد.



۲) برای جداکردن کلمه یا عبارتی توضیحی



مثال:



آرش، دلاور مرد ایرانی، دلیرانه بر قلعه‌ی دماوند برآمد.

«دلاور مرد ایرانی» توضیحی است که برای «آرش» بیان شده است و قبل و بعد از آن، «ویرگول» دیده می‌شود.

مثال: ۳) بین کلماتی که می‌خواهیم یک چیز مشخص درباره‌شان بگوییم.



درباره‌ی دیده‌ها، شنیده‌ها، خوانده‌ها و آموخته‌ها بپرسیم.


مثال: ۴) برای جلوگیری از اضافه‌کردن کسره (-) به پایان بعضی کلمات.



جان و دل، رایگان بیفشانیم





د ونقطه (:) : 

مثال: (۱) پیش از نقل قول مستقیم

گفت: «می آیم دنبالت».

مثال: (۲) هنگام توضیح دادن

نهاد: قسمت اول هر جمله است.

مثال: (۳) هنگام برشمردن اجزای یک چیز

عنصرهای چهارگانه عبارتند از: آب، خاک، باد و آتش

مثال: (۴) هنگام معنی کردن

نخجیر: شکار

